

آغاز پروسهء بازداشت و توقیف سران طالبان

عبدالحی نزهت

سرانجام بعد از گذشت چندین سال برخوردهای متضاد و دوگانه کشورهای غربی با طالبان وضعیت جدیدی در منطقه پدیدار گشت و تعدادی از سران طالبان به شکل درماتیک بازداشت و توقیف گردیدند. اگر ساختار پیچیده تحریر طالبان از ابتدای تشکل و به وجود آمدن آنها مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد، سناریوی ساختاری این جنبش با شعارهای گوناگون و استفاده از آن شعارها بحیث ابزار سیاسی، کاملاً آشکار و هویداست. سازماندهی این گروه توسط مشاورین کارگشته استخباراتی در همه عرصه های سیاسی و نظامی قابل دقت و تأمل است. زیراتلاش جدی صورت می گرفت که این جنبش را کاملاً حرکت یک دست و یک پارچه در اذهان عامه مردم افغانستان تداعی نمایند.

- 1: شعار نخستین آنها سرکوب عناصر متخاصم تنظیم های جهادی بود. (این اختلاف ناشی از مداخلات نظامی و استخباراتی پاکستان بود) که در سرلوحه کار آنها قرار داشت.
- 2: از شعارهای نخستین آنها به قدرت رساندن شاه مخلوع افغانستان بود که بعد از استفاده مؤقت به عجله کنار گذاشته شد.
- 3: آخرین خواست این تحریر استفاده از شعارهای ناسیونالیستی افراطی و تحجر کامل و سوءاستفاده از شعارهای دین مقدس اسلام و مخلوط آن با کلتور و فرهنگ جامعه قبیلوی، سنتی بخشی از قبائل کشور بود.

تلاش های طالبان جهت نابودی جنبش مقاومتی که در شرق، مرکز و شمال کشور علیه آن مبارزه میکرد؛ به ناکامی منجر گردید. پاکستان با تمام امکانات لوژیستیکش در عرصه نظامی نیز نتوانست جنبش مقاومت شمال را مهار نماید؛ تا اینکه وقایع 11 سپتامبر حوادث را به ضرر استخبارات نظامی پاکستان رقم زد و رویدادهای افغانستان وارد مرحلهء کاملاً جدید شد. این وقایع در حقیقت سیاست های امریکا و غرب را در منطقه آسیای جنوبی به چالش بزرگ مواجه ساخت. "علاقمندان به مسایل سیاسی و به ویژه بحران افغانستان همیشه شاهد یکرشته تناقضات در سیاست خارجی امریکا در قبال بحران افغانستان هستند، و این شبهه و تضاد رفع نخواهد شد مگر اینکه قادر به درک مسایل پشت پرده سیاست باشند (1)

این تناقض و دوگانگی باوصف اعزام نیروی های نظامی چندین ملیتی و ناتو بعد از وقایع 11 سپتامبر نیز ادامه داشت. امریکا آگاهانه و ناگاهانه به دنبال سیاست های متحد منطقوی خود یعنی پاکستان در حرکت بود. این سیاست نادرست، نیروی های شکست خورده و فراری طالبان را در عرصه نظامی و سیاسی به تحرک بیشتر و داشت سازمان القاعده از این عمل امریکا بیشترین امتیازات را بدست آورد و به تقویت پایگاههای خود در افغانستان، پاکستان و یمن پرداخت. برخورد دوگانه غرب با طالبان، افغانستان را در گرداب جنگ داخلی فروبرد و پاکستان را هم نیز به بحران جدی مواجه ساخت. بابرخورد های نظامی در چندین ایالات پاکستان زرادخانه اتمی پاکستان به خطرات جدی مواجه گشت. این بحران در پاکستان باعث نگرانی امریکا و بریتانیا شد. بریتانیا که در سیاست منطقوی خود تجارب کافی و وافر استعماری دارد، در عمل همان دیدگاه قدیمی قرن نوزدهم را در معادلات پیچیده منطقوی بکار میبرد. کنفرانس لندن در حقیقت تلاشی در جهت پیاده نمودن این استراتژی در کشور ما میباشد و پاکستان هم از این سیاست حمایت مینماید. بریتانیا که مطابق حدس و گمان های یقین به طالبان کمک اقتصادی نموده بود؛ حال میخواهد با

بکار بردن سیاست علنی جهت پرداخت وام و پول به طالبان آنها را تشویق نماید تا به اصطلاح به یک راه حل سیاسی تن دهندو در قدرت سهیم گردند. تلاش های بریتانیا و امریکا جهت مهار طالبان باوقایع و حوادثی که در منطقه در حال شکل گیری است ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر معضله اتمی ایران به همین شکل ادامه یابدو امریکا و غرب نتوانند ایران را قانع سازند تا در حصه یوارنیم غنی شده سیاست خویش را تعدیل نماید؛ طالبان به حیث عنصر ضد ایران کمافی السابق مورد توجه امریکا و غرب خواهند بود. در این حالت بحران افغانستان توسط غرب و امریکا بشکل موجود آن ادامه می یابد. در این صورت بیشترین توجه جهت کنترل و مهار ایران در سر لوحه سیاست های امریکا و غرب قرار خواهد داشت.

موضوع قابل دقت اصلی توقیف ملا عبدا لغنی برادر، معاون ملا محمد عمر و ملا عبدالکبیر جانشین ملا ربانی و چند والی اسبق این گروه از طرف پاکستان چه پیامی را در منطقه به همراه خواهد داشت؟ طالبان از آوان پیدایش خویش کاملاً یک حرکت یکدست و یکپارچه نبوده اند؛ بلکه از ترکیب نا متجانس برخوردار بودند. گر چه ملا متوکل هنوز هم ادعا مینماید که این جنبش عناصر تند رو، میانه رو و اعتدالی ندارد و تمام عناصر متشکله این جنبش یکسان است؛ مگر این ادعا کاملاً پوچ و بی بنیاد میباشد. هر حزب سیاسی از عناصر اصول گرای افراطی، میانه رو و اعتدالی تشکیل می یابد. جنبش طالبان نیز نمیتواند از این قاعده مستثنا گردد. گر چه شعار طالبان در قدم نخست آمیخته با یک ناسیونالیزم افراطی متکی به تمایلات شیونستی قبیلوی توأم با تعصب و تحجر است، و اعتقاد به امت اسلامی و استفاده از شعارهای مقدس اسلامی پوششیست جهت پنهان نمودن تمایلات ناسیونالیستی افراطی آنها؛ ولی در این اواخر اختلافات جامعه عقبمانده قبیلوی نیز در آن به مشاهده میرسد. ملا برادر که شخصیت درجه دوم از قبیله پوپل زایی است؛ با درانی ها همسویی دارد؛ از این سبب مورد بی مهری ملا محمد عمر و ای اس ای پاکستان قرار گرفته است. در این گروه بندی ها علاوه بر او تعداد زیادی از طرفداران ملا برادر بازداشت شده اند. این امر نشانه اختلافات عمیق در بین جنبش طالبان میباشد. همه مردم آگاهی داشته اند و دارند که شورای کویته تحت نظارت ای اس ای پاکستان تمام عملیات نظامی را رهبری مینمود. در عدم صحت این شایعه؛ اگر ملا محمد عمر را هم پاکستان توقیف و به دولت افغانستان ویا امریکا تسلیم نماید؛ فضای سیاسی منطقه کاملاً دگرگون میگردد. این حرکت میتواند تغییر و دگر گونی عمیقی در مناسبات افغانستان و پاکستان بوجود بیاورد. گر چه شکل گیری اتموسفر جدیدی سیاسی در منطقه خلاف این امر را نشان میدهد، خاصاً وقایع شهر نو کابل و حمله به اتباع هندوستان، سماجت و لجاجت زمامدارن اسلام آباد را در بحران افغانستان به نمایش میگذارد؛ مگر حمله به هندوستانی ها در افغانستان در سر لوحه سیاست های تهاجمی ای اس ای در افغانستان قرار دارد. افغانستان کشور مستقل است و میتواند با اتخاذ سیاست های مستقل با همسایه گانش مطابق منافع ملی خود در همه عرصه ها اقدام نماید. اگر سیاست های پاکستان در منطقه قطع علایق تاریخی بین هند و افغانستان باشد، این معضله به یک مشکل دیگر در جنوب آسیا تبدیل میشود. هندوستان و افغانستان جهت مهار سیاست های ستیزه جویانه پاکستان باید با تفاهم با امریکا و غرب پالیسی جدیدی را روی دست گیرند و در عرصه های گوناگون جهت تضعیف تعرض و یورش پاکستانی ها اقدامات عملی را اتخاذ نمایند؛ در غیر این صورت سیاست تهاجمی در کشمیر هندوستان و افغانستان میتواند ثبات و تمایت ارضی این دو کشور را مورد تهدید قرار دهد. سرانجام این تخاصم به یک برخورد نظامی بین هندوستان و پاکستان منجر خواهد شد. در انصورت استفاده از سلاح اتمی در منطقه بعید نخواهد بود. کاربرد سلاح اتمی دو کشور پاکستان و هندوستان را در معرض تباهی قرار خواهد داد. چین و هندوستان منحیت دو کشور بزرگ قاره آسیا و وظایف و مسوولیت اخلاقی جهت حفظ صلح در منطقه را بدوش دارند. شاید هم در

تحلیل نهایی چینیایی ها نیز از سیاست های ستیزه جویانه ء پاکستان به ستوه آمده باشند. دران حالت آنها میتوانند اقداماتی را جهت کنترل تحرکات تهاجمی پاکستان روی دست گیرند. ولی وقایع اخیر کابل و قبول مسوولیت عملیاتی آن از جانب طالبان مؤئید وجود اختلاف در سلسله مراتب طالبان است که ملا برادر به حیث قربانی عنصر غیر کار آمد برای ای اس ای شناخته شده است. از همینرو توقیف آن میتواند گواه این امر باشد. از سوی دیگر شاید هم ملا برادر به افغانستان مسترد نگردد. چونکه تحویلی ملا برادر به افغانستان میتواند بسیاری از رازهای خوابیده را عریان سازد ... (پایان)

1 .. جریان پرشتاب طالبان صفحه (108)